نگاه

ترامپ پرخاشگر «کیم» ماجراجو

اکبر قاسمی
سفیر پیشین در اوکراین و مصر

● همچنان ترامپ پرخاشگر با مانورهای موشکی و نظامی در محیط ناآرام شبه‌جزیره کره و دریای ژاپن در چنگ‌اندازی و تمرین زورآزمایی به سر می‌برد. کره‌شمالی روند قدرت‌نمایی را با همان آهنگ گذشته و با تغییر تاکتیک از هدف قراردادن محیط فرامنطقه‌ای (یعنی پایگاه آمریکا در گوام) به محیط منطقه‌ای با پرتاب سه موشک کوتاه به سواحل شرق شبه‌جزیره در هفته قبل و در نقاطی که کره‌جنوبی و آمریکا در حال مانور مشترک با حضور دانفورد، رئیس ستاد مشترک آمریکا، بود و امروز صبح با پرتاب موشک بالستیک و عبور در ارتفاع ۵۵۰کیلومتری در فضای ژاپن، خواب را از دیدگان مردم کره‌جنوبی و ژاپنی‌ها گرفته و فضای ارعاب را جدی‌تر کرده است. چینی‌ها که نقشی کلیدی در کنترل بحران دارند، با دو موضع دوگانه و متفاوت، همچنان راهبرد تعامل خود با چالش کره‌شمالی را تعقیب می‌کنند؛ از یک‌سو در یک نوع موضع هماهنگ با فضای اجماع در ارتباط با پنج عضو دائم شورای امنیت پیرامون خط تحریم، با هدف کاهش تجارت مواد معدنی کره‌شمالی با آمریکا همراهی را به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر، درباره جو تشدید اقدامات نظامی آمریکا در سطح منطقه، با لحنی مدافعانه از کره‌شمالی، روند تحولات را دنبال می‌کنند. روس‌ها نیز به‌عنوان بازیگری فعال در این حوزه، سعی در اعمال رویکرد فعال با پرواز هواپیمای حامل بمب‌های اتمی خود در فضای دو کره، درصدد نمایشی از حضور فعال در این محیط پرتنش برای تحقق اهداف روابط بین‌المللی خود است.

– در این میان، مؤلفه مهم در این ظرف زمانی که موجب تغییر موازنه در رویکردهای جدید کره‌شمالی شده است، موضوع کسب ظرفیت و توانایی برخورداری از موشک‌های با برد بالستیکی است که نشانگر به‌دست‌آوردن موتور موشک‌های اوکراینی از نوع پ -دی ۲۵۰ است که در کارخانه یوژماش اوکراین تولید می‌شود و روزنامه نیویورک‌تایمز آن را افشا کرده است. درباره نحوه کسب این موتورها، اطلاعات مختلفی در منابع خبری اوکراین و روسیه منتشر شده است که احتمال دستیابی از طریق بازار قاچاق یا از طریق موتورهای فروخته‌شده سابق به روسیه به‌عنوان تفسیر نهایی ارزیابی شده است.

– در آخرین مواضع ثبت‌شده بین بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، چنین به نظر می‌رسد که ترامپ در چارچوب رویکرد مدیریت گروه نظامیان (کلی، ماتیس و مستر) که زمام امور مدیریت واقعی کاخ سفید را بر عهده دارند، در حال بررسی چگونگی واکنش از طریق شورای امنیت و با توجه ویژه به مواضع چین و روسیه، در حال سبک‌وسنگین‌کردن امر بوده است ضمن اینکه دیگر خبری از مواضع آتشین چند هفته قبل ایشان که به‌عنوان خطاب اتمی در قبال کره‌شمالی تفسیر شد، نیست.

– از همه قراین به دست می‌آید که پرونده پیچیده بحران کره‌شمالی، مسئله‌ای یک‌بُعدی و تک‌مجهولی نبوده که به تنهایی از طریق زورآزمایی و درشت‌گویی‌های ترامپ بتوان آن را حل کرد و به‌درستی زمینه و ریشه‌های بحران و مؤلفه‌های چندگانه متداخل، حکایت از چندبعدی و لزوم مشارکت همه بازیگران ذی‌ربط را در این بحران دارد و اجماع قابل فهم برای منافع تمام بازیگران، می‌تواند در کنترل صحیح بحران تأثیرگذار باشد.

ادامه از صفحه ۲

روایت آخرین گفت‌وگو با دکتر یزدی

نکته جالب در آن گفت‌وگو آنچه در تماس تلفنی برای پیشنهاد گفت‌وگو و آنچه در ابتدای گفت‌وگو گذشت، بود. روز عید غدیر بود که تماس گرفتم و درخواست مصاحبه کردم. باید همان روز مصاحبه انجام می‌شد تا به روزنامه فردا می‌رسید. در ابتدای سلام و علیک تلفنی یادم رفت عید را تبریک بگویم، زمانی که در ورودی خانه‌شان قرار گرفتم هم، همین‌طور. هر دوبار ابتدا عید را تبریک گفت و بعد به چیزهای دیگر پرداخت. در ملاقات اخیر وقتی خواستم از او عکسی به یادگار بگیرم، لبخند زد و در کادرم قرار گرفت. عکس را در اینستاگرام به اشتراک گذاشتم، لابه‌لای پیام‌های احترام، پیام منتقدانه و عصبانی و حتی بی‌حرمتی هم بود. نظرات حاوی بی‌حرمتی را پاک کردم، اما نقدها سرجایش محفوظ است. به دکتر ابراهیم یزدی هم مثل همه آنها که در سال‌های انقلاب در مصدر کار بودند، می‌توان نقد داشت و البته می‌توان محسناتش را ستود که این مرام انسانی است.

politics@sharghdaily.ir

ریاست ۲۲ شورای روستایی خاش به زنان رسید

زنان بلوچ در صدر شورا

شرق، آمنه شیرافکن: زنان باز هم شگفتی آفریدند؛ این‌بار در بخش مرکزی خاش. ۲۲ زن از فردا رئیس شورای روستای خود خواهند بود. بخش مرکزی خاش ۶۰۰ آبادی دارد و ۱۹۱ شورا؛ به‌این‌ترتیب، سهم ریاست زنان بر شوراهای این بخش، تا اینجای کار، ۱۵ درصد است؛ سهمی که برای مشارکت زنان در ساختار قدرت، شبیه یک معجزه سیاسی است. در روستاهای مختلفی در بخش مرکزی خاش، زنان تنها نامزدهای انتخابات شورا بودند. ۱۵۰ زن نیز عضو علی‌البدل شوراها در بخش مرکزی خاش شده‌اند. علی کرد، نماینده خاش در مجلس، در این زمینه می‌گوید: «حضور زنان در قدرت تأثیرگذار است و این اتفاق را به فال نیک می‌گیریم. خوشبختانه زنان در ۲۲ روستای خاش رئیس شورای روستا شده‌اند که اتفاق مثبتی به نظر می‌آید».بخش مرکزی خاش در استان سیستان‌وبلوچستان واقع است. این بخش رتبه اول را در میزان مشارکت زنان در سطح کشور در ثبت‌نام شوراهای روستایی به دست آورد. در بهار ۹۶، ثبت‌نام تعداد زیادی از زنان در این منطقه باعث شگفتی شد؛ ۳۴۷ زن بلوچ همپای مردان برای رقابت در ۱۹۱ شورای اسلامی روستایی (سه شورای پنج‌نفره و ۱۸۸ شورای سه‌نفره) ثبت‌نام کردند و از این تعداد، ۷۰ زن برگزیده شدند. حالا آن ۷۰ نفر برگزیده در ۴۰ شورای روستا مشغول فعالیت‌اند. بخش مرکزی خاش با ۱۰ هزار کیلومترمربع وسعت، نیمی از وسعت شهرستان خاش را دارد و دارای ۸۰ هزار نفر جمعیت و پنج دهستان و ۶۰۰ آبادی و ۱۹۱ شورا و ۷۳ دهیاری است.

از استاد دانشگاه تا زن خانه‌دار

مرتضی شجاعی، بخشدار منطقه، در گفت‌وگو با «شرق» گفته: «بخش مرکزی خاش با ۱۲۴ کیلومتر مرز با پاکستان، یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های استان است و به لحاظ اجتماعی، بخش مرکزی خاش مرکز ثقل عمده طوایف بلوچ استان به‌شمار می‌آید. فروردین گذشته و هم‌زمان با مهلت ثبت‌نام نامزدهای شوراهای روستایی در بخش مرکزی خاش، این بخش توانست رتبه نخست تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در بین بخش‌های سطح استان را به دست بیاورد».به گفته او، «در ۱۴ شورای روستا، از سه منتخب، دو نفر خانم هستند و در روستای افضل‌آباد، همه اعضای شورا از میان زنان انتخاب شدند. در میان این زنان از استاد دانشگاه گرفته تا فرهنگی، دانشجو، کشاورز و خانه‌دار به چشم می‌خورد».بخشدار منطقه به تلاش و نگاه مثبت استاندار در افزایش حضور زنان در سطوح میانی قدرت، اشاره دارد: «تلاش استاندار، معاونت استانداری، فرماندار، بخشدار، مدیرکل و شهردار و دیگر افراد مسئول در الگوسازی برای زنان و تقویت اعتمادبه‌نفس آنها با احترام به سنت‌های بومی و محلی در شکل‌گیری وضعیت امروز تأثیرگذار بوده است. تعداد زیادی دهیار زن در بخش مرکزی خاتم نیز منصوب شده که در جای خودش نشان مؤثری است».

نقش مثبت فتوای مراجع اهل سنت در حضور زنان

او همچنین به فتوای مراجع و علمای اهل سنت و تأثیر آن بر افزایش حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی اشاره دارد: «همه اینها نشان‌دهنده تغییر باور جامعه نسبت به نقش‌آفرینی زنان به‌عنوان بخش مهم جامعه، حمایت جامعه مردان و معتمدان و سران طوایف و همچنین فتوا و توصیه‌های علمای شیعه و سنی مبنی بر ایرادنداشتن حضور زنان در مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی است».

مژگان جهانی، استاد دانشگاه است و رئیس شورای روستای «گورچان». به فتوای مولوی عبدالحمید و آیت‌الله سلیمانی، برای حضورش در انتخابات شورا اشاره دارد و هدف اصلی خود را تلاش برای زدودن محدودیت‌ها و مشکلات برای زنان روستا عنوان می‌کند. درعین‌حال، جهانی خودش را نماینده تک‌تک مردم روستای گورچان می‌داند و می‌گوید: «پیشبرد طرح‌های هادی روستا، تلاش برای ایجاد فضای اشتغال و آبادسازی و شادسازی فضای روستا برای کودکان و نسل جوان»، از برنامه‌های او به شمار می‌آید.

تقدیر از مولوی عبدالحمید در حمایت از حضور اجتماعی زنان

به گفته بخشدار بخش مرکزی خاش، «تحلیل من این است که استقبال زنان برای حضور در شوراها علاوه بر نکات مطرح‌شده، در ارتقای سطح آگاهی زنان، تلاش آنها برای رشد و ارتقای اجتماعی، همراهی مردان در روستاها، نگاه مثبت قوم و طایفه و اعتماد روستاییان به زنان برای ایجاد فضای امن برای مراجعه اهالی روستا ریشه دارد. شاید در خیلی از روستاها، حضور زن در شورا موجب می‌شود حضور اجتماعی زنان نیز در سطح روستا بیشتر شده و زنان به آسانی به خانم‌های شورا مراجعه کرده و درنهایت اتفاق‌های مثبتی در انتظار مدیریت روستاهای خاش باشد. ارزشمند است که در نقاطی با بافت فرهنگ قومی و طایفه‌ای، به‌خوبی زمینه برای حضور زنان در مدیریت روستا فراهم شده است».

تلاش برای اشتغال‌زایی برای مردم هامون

«نصیبه پاکزاد» هم رئیس شورای روستای هامون است و فتواهای مذهبی و حمایت مولوی عبدالحمید و نگاه مثبت استاندار و بخشدار و دیگر مقام‌های مسئول را در فراهم‌آمدن زمینه برای حضور زنان مؤثر می‌داند. او اشتغال‌زایی برای زنان و مردان روستا و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی را از برنامه‌های در اولویت خود معرفی می‌کند. پاکزاد نگران استعداد دختران و پسران جوانی است که در روستا برای رشد و ارتقای شغلی و تحصیلی، امکان لازم برای آنها مهیا نشده است.

شجاعی، بخشدار خاش، همچنین درباره سطح تحصیلات زنان روستای خاش به «شرق» خبر داده: «درصد اندکی از این زنان، تحصیلات دانشگاهی دارند و درصد بالایی تحصیلات احراز شرایط شورایی دارند؛ یعنی امکان و توان خواندن و نوشتن. به همین خاطر، اراده آنها برای حضور در انتخابات، تلاش برای پیروزی در عرصه رقابت و حالا حضور در رأس شوراها، اتفاق مثبتی است.» به گفته او «در برخی روستاها، مردان رؤسای سابق شورای روستا بوده‌اند؛ اما در شورای جدید از سه نفر عضو شورا، دو نفر زن برگزیده شده‌اند و آنها هم از میان خود یکی را به ریاست برگزیده‌اند و به همین خاطر، سهم حضور زنان در قدرت بیشتر شده است».

ادامه از صفحه ۷

رجوی گفت ما در بیت امام نفوذی داشتیم

البته هنوز سازمان زیر بار نرفته و قبول نکرده است ولی صدها عضو سازمان از خود مسعود رجوی شنیده‌اند که قبول کرده است. رجوی در یک نشست مسعود کشمیری را به همه نشان داد و گفت او دفتر نخست‌وزیری را منفجر کرده است. در یک نشست که همه اعضای سازمان حضور داشتند. رسمی اعلام نشد ولی در جلسه‌های خصوصی اعلام می‌شد و به آن هم افتخار می‌کردند. آنجا مسعود کشمیری با اسم مستعار «باقر» شناخته می‌شد. خیلی‌ها نمی‌دانستند که باقر چه کسی و چه‌کاره است تا اینکه مسعود رجوی او را معرفی کرد و گفت: این مسعود کشمیری است». او ادامه می‌دهد: «چون مسعود کشمیری مسئله‌دار بود و می‌خواست از سازمان برود، رجوی برای اینکه جلوی خروج کشمیری از سازمان را بگیرد و او را بترساند، او را به همه معرفی کرد. به او گفت تو الان زیر چتر سازمان امنیت داری؛ اگر از زیر چتر سازمان خارج شوی، جمهوری اسلامی تو را دستگیر می‌کند و از بین می‌برد. مسعود رجوی این کار را کرد تا کشمیری مجبور بشود و بماند؛ اما آخر سر هم او نماند و دست زن و بچه‌اش را گرفت و به آلمان رفت. زنش هم دختردایی‌اش بود سازمان گفته بود باید از او جدا بشود اما کشمیری حاضر نشد او را طلاق بدهد و با هم به آلمان رفتند. دولت جمهوری اسلامی هم بارها از آلمان خواسته او را تحویل بدهند و به آنها اعلام کرده فردی با این مشخصات، با این اسم مستعار و با این پاسپورت در کشور شماست و او مسئول انفجار هشتم شهریور است».

این عضو سابق سازمان درباره محمدرضا کلاهی، عامل انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری نیز گفت: «کلاهی در اشرف با اسم مستعار مهندس کریم فعالیت می‌کرد. کلاهی و کشمیری بعد از اینکه از ایران فرار کردند، به عراق آمدند. هر دوی آنها مهندس بودند. آنها را در رادیو مجاهد مستقر کردند. مسئول برادر من یعنی مسعود خدابنده هم با یکی دیگر از اعضای سازمان به نام مهندس بهمن کار می‌کرد که نمی‌دانست اسم واقعی‌اش چیست. اینها کادر فنی رادیو مجاهد بودند. بعد از اینکه اینها از ایران آمدند، کلاهی ازدواج نکرده بود و در سازمان به او زن دادند. بعد که کلاهی به هلند رفت آن زن هم از او جدا شد. بعد هم که یک نفر در هلند کشته شد و برخی گفتند که کلاهی بود».خدابنده همچنین درباره انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و نحوه اطلاع خود از آن انفجار می‌گوید: «وقتی که انفجار هفتم تیر رخ داد من منچستر بودم و تازه از انجمن اسلامی بیرون آمده بودم. هنوز یک سال نشده بود که من از آنجا خارج شده بودم و هنوز خیلی از بچه‌های انجمن اسلامی را می‌شناختم. من داشتم از جایی رد می‌شدم که دیدم در کنسولگری جمهوری اسلامی در منچستر یک بنر زده‌اند و بچه‌های انجمن اسلامی هم آنجا جمع شده‌اند. پرسیدم چه شده است؟ گفتند که داستان این است و در هفتم تیرماه دفتر حزب جمهوری را منفجر کرده‌اند، کنسولگری بسته است و ما هم برنامه عزاداری داریم. تو هم می‌آیی؟ و از این صحبت‌ها. یکی از آنها از من پرسید که فکر می‌کنی این کار، کار چه کسی و چه گروهی بوده است؟ من هم گفتم حتما کار سلطنت‌طلب‌ها و ضد انقلاب و آمریکایی‌ها بوده است دیگر؛ یعنی به مخیله‌ام خطور نمی‌کرد که سازمان چنین کاری کرده باشند.» این عضو جدا شده از سازمان منافقین با اشاره به اینکه سازمان در بیت امام هم نفوذی داشت ولی برنامه‌ریزی آنها این بود که اول حزب جمهوری اسلامی را منفجر کنند، گفت: دقیقا یادم نیست که از خود رجوی یا از شخص دیگری شنیدم که می‌گفت ما در بیت امام نفوذی داشتیم و در همه نهادها هم نفوذی داشتیم. ما بین حزب جمهوری و بیت امام یکی را می‌توانستیم انتخاب کنیم. چون اولا هم‌زمان نمی‌شد این کار را انجام داد و ثانیا اگر یکی از آنها را منفجر می‌کردیم، آن یکی سوخته بود. ما مجبور بودیم بین اینها یکی را انتخاب کنیم. کدام را انتخاب کرد؟ حزب جمهوری. یعنی یا جواد قدیری یا محمدرضا کلاهی؟ کدام را انتخاب کرد؟ کلاهی. چرا؟ بارها می‌گفت که ما نظام را بی‌آینده کردیم. یعنی احساس می‌کرد که سکان اصلی آینده نظام، اعضای حزب جمهوری اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای و شهید بهشتی هستند. یعنی امام، «حال» جمهوری اسلامی بود، شهید بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای «آینده» جمهوری اسلامی بودند. او افزود: مسعود رجوی بین «حال» و «آینده» می‌خواست انتخاب کند؛ خودش هم گفت ما آینده را انتخاب کردیم که بزنیم. «حال» فعلا باشد. خوب این استراتژی غیر از استراتژی آمریکاست؟ یعنی آمریکا می‌دانست اگر بعد از امام جانشین قدرتمندش در هر حوزه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای و بهشتی است او هم تکلیفش با آمریکا معلوم بود. یعنی می‌دانست که با حضور بهشتی این میخ استقلال را نمی‌شد کند. حالا خواست خدا بود و اتفاقی که افتاد این بود که آن موقع خیلی حواسشان به رهبری فعلی نظام نبود. فرقان آمد قبلش یک ترور انجام داد. آن موقع که ترور اتفاق افتاد، آیت‌الله خامنه‌ای در بیمارستان بود. یعنی بالاخره آینده نظام به این شکل حفظ شد وگرنه از نظر مسعود رجوی آینده نظام نابود شد، «حال» هم می‌گذرد و دیگر تمام می‌شود. همه حساب و کتاب‌هایشان در همه زمینه‌ها درست بوده، همه هم همکاری می‌کردند و خوب کار می‌کردند؛ ولی می‌گویند: چراغی را که ایزد برفروزد/ هر آن کس پف کند ریشش بسوزد».

ادامه از صفحه ۷

ناپدیدسازی اجباری از نگاه حقوق بین‌الملل

... و با جرم‌انگاری آن و وضع استانداردهایی برای مجازات عاملان و پیشگیری از ارتکاب این جنایت به نحو مؤثری با آن مقابله کند. تاکنون چهار سند در این زمینه تدوین شده است که عبارت‌اند از:

الف) اعلامیه حمایت از همه اشخاص از ناپدیدشدگی اجباری مصوب مجمع عمومی ملل متحد (۴۷/۱۳۳ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲)؛

ب) کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در مقابل ناپدیدسازی اجباری (The International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance ‘, (۲۰۰۷) ۷ Human Rights Law Review ۵۴۵, ۵۵۰) ؛

ج) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ماده I/۲/۷)؛

د) کنوانسیون بین آمریکایی راجع به ناپدیدسازی اجباری. (Inter-American Convention on Forced Disappearance of Persons, OAS Doc OEA/Ser.P/AG/Doc.۳۱۱۴/۹۴).

قدر مشترک و حاصل اسناد یادشده را می‌توان موارد زیر برشمرد:

۱- ارائه تعریفی حقوقی از ناپدیدسازی اجباری

۲- تأکید بر ممنوعیت مسلم این پدیده در حقوق بین‌الملل

۳- جرم‌انگاری آن به‌مثابه جرمی سنگین و شناسایی مسئولیت کیفری عاملان آن

۴- شناسایی حقوق قربانیان و حق تعقیب برای ایشان

۵- موظف‌کردن دولت‌ها به اتخاذ اقدامات تقنینی، اجرائی، قضائی و سایر اقدامات مقتضی برای مقابله جدی با این پدیده

براین‌اساس، ظرفیت حقوقی بین‌المللی مناسبی برای مقابله با پدیده نامیمون ناپدیدسازی اجباری در دسترس است که با بهره‌گیری از آن در نزد نهادهای ذی‌ربط ملی و بین‌المللی می‌توان به تعقیب عاملان ارتکاب این جنایت مبادرت ورزید، هرچند کاستی‌ها و نارسایی‌هایی نیز همچنان دیده می‌شود. حال باید دید، درباره ناپدیدشدن شخصیت محبوب و برجسته و نام‌آور جهان اسلام، امام موسی صدر، تاکنون چه تلاش‌هایی در این زمینه انجام شده و چه چالش‌هایی پیش‌روی این پرونده است و راه‌حل‌های ممکن برای غلبه بر آن و پیگیری مؤثرتر موضوع کدام است؟ امید است که این تلاش ناچیز گامی در این راه باشد؛ بعون الله تبارک و تعالی.